

## نامه به سردبیر

مفهوم سلامت معنوی در لابه‌لای تعالیم دینی و کتب الهی و در روایات پیامبر و معصومین علیهم‌السلام نهفته است. با این وجود از آن زمان که تعریف سلامت معنوی توسط موبِرگ در سال ۱۹۷۱ میلادی، تحت عنوان بهزیستی معنوی مطرح شد تاکنون تعاریف متعددی در مورد این مفهوم ارائه شده است و در تعیین مؤلفه‌ها و شاخص‌ها و روش سنجش آن نه در تحقیقات تجربی و نه در تعبیر متداول، اجماعی یافت نشده است. در ادبیات توحیدی توجه جامع به سلامت بسیار آشکار است. به عنوان مثال، امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه در قالب دعا برای سلامت چنین می‌فرماید: «خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و مرا عافیت بخش، کافی و شفابخش و برتر و روزافزون بر عافیتی که بر بدنم سلامت تولید کند و در یک کلمه عافیت دنیا و آخرت و بر من منت نه به تندرستی و امنیت و سلامت در دین و بدن و بصیرت در دل». در این کلام است که ابعاد سلامت به خوبی نمایانده می‌شود. باید اذعان کرد که مهم‌ترین معنای اسلام، سلامتی است، یعنی پیشگیری و دور بودن از هرگونه آفت و زیان بدنی و روانی. در این معنا، اسلام مفهوم سلامت‌بخشی، گسترش سلامتی و یا سالم‌سازی فردی، خانوادگی و اجتماعی را بیان می‌کند.

اخلاقیات و معنویات و به عبارتی ارزش‌ها جزء جدایی‌ناپذیر هر فرهنگی است. در واقع هیچ جامعه‌ای نیست که در تلاش برای گسترش معنویات و اخلاقیات نباشد. به طوری که بیشتر جامعه‌شناسان بزرگ به پدیده مذهب و مسائل مذهبی به عنوان منابع معنوی و اخلاقی توجه زیادی داشته‌اند. وجود معنویات و اخلاقیات نه تنها مانع شیوع فساد و نهایتاً تباهی و انحلال جامعه شده بلکه باعث ارتقای کمال،

پیشرفت و سلامت اخلاقی افراد جامعه خواهد شد که در چنین شرایطی جامعه می‌تواند به اهداف و پیشرفت مدنظر خود نائل شود. با مرور متون در می‌یابیم که در برنامه‌های درسی اکثر دانشگاه‌های کشورهای غربی و شرقی آموزش معنویت وارد شده است و از این نظر که موضوع معنویت محور تحقیقات و پژوهش‌های زیادی در حوزه علوم انسانی قرار گرفته باید خوش‌بین باشیم. زیرا حجم فزاینده‌ی مطالعات و تحقیقات جهت‌گیری مثبت علوم انسانی را نسبت به امور معنوی نشان می‌دهد با این وجود نباید از این نکته غافل شویم که معنویت مورد بحث در علوم جدید، معنویت ناب و خالص نیست. در تمامی رشته‌های علوم انسانی هم در مورد اصل مفهوم معنویت و هم مفاهیم مرتبط با آن مانند سلامت معنوی و نیازهای معنوی برداشت‌های تحریف‌آمیز به چشم می‌خورد.

به اعتقاد برخی صاحب‌نظران غربی، سلامت معنوی فرایندی مبهم و پیچیده از تکامل انسان است که رابطه‌ای هماهنگ بین نیروهای درونی فرد فراهم کرده و با ویژگی‌های ثبات در زندگی، صلح، داشتن ارتباط نزدیک با خدا، خود، جامعه و محیط که یکپارچگی و تمامیت فرد را تعیین می‌کند، مشخص می‌شود. واقعیت این است که پدیده‌های خلقت پیچیده و چندوجهی و شناخت ما محدود و متنوع هستند. تعاریف مربوط به سلامت از الگوهای پدید آمده‌اند که جزو معتقدات دانشمندان مختلف بوده‌اند. بر اساس این اعتقادات سه الگوی عمده در تعریف سلامتی همواره مد نظر بوده است. الگوی پزشکی عمدتاً بر تبیین زیست‌شناختی و فیزیولوژیکی سلامتی می‌پردازد. الگوی محیطی از تحلیل نوین اکوسیستم و خطرات محیطی به سلامتی انسان پدیده آمده است. در این الگو سلامتی بر حسب کیفیت سازش فرد با محیط به هنگام تغییر شرایط تعریف شده است. الگوی کلی‌نگر سلامتی را برحسب کلیت شخص تعریف می‌کند و جنبه‌های

زیست‌شناختی، فیزیولوژیکی، روانی، هیجانی، اجتماعی، معنوی و محیطی افراد را شامل می‌شود و غالباً بر سلامتی بهینه پیشگیری از بیماری و حالت‌های روانی و هیجانی مثبت متمرکز است. الگوی اخیر معتقد است که سلامتی ایستا نیست بلکه فرآیند پویایی است که تمام تصمیم‌ها و فعالیت‌های روزمره را منعکس می‌کند. استقرار این الگو نویدبخش ظهور قلمرو بین رشته‌ای جدیدی است که با پذیرش یک روی‌آورد کلی، در پی پاسخگویی به معماهای حل نشده دیدگاه‌های تک‌بعدی درباره سلامتی و بیماری است.

سلامت و بیماری مفاهیمی هستند که در پزشکی امروز نیاز به موشکافی دقیق دارند. فلسفه وجودی سلامت بر پایه مجموعه‌ای از ویژگی‌های زیستی - روانی - اجتماعی - معنوی است و هر تغییری در سلامتی بدون تغییر در این ویژگی‌ها امکان ندارد. سلامت معنوی همان کیفیتی است که یک انسان معنوی در متن زندگی خویش بدان شناخته شده است. روانشناسان نشانه‌های سلامت معنوی را در انسان سالم، کارآمدی، اعتماد به نفس، واقع بینی، نوع دوستی، خلاقیت و رضامندی قلمداد کرده‌اند. اغلب آنان انسان سالم را کسی می‌دانند که در وهله نخست درک واقع بینانه‌ای از امور و نگاه آزاد و ارتجالی بر پدیده‌ها داشته و از حس شهودی و فاعلی به جهان هستی برخوردار باشد. سلامت معنوی معطوف به جانمایه‌های فطری همراه با بینش و شهود باطنی و معنایابی از متن زندگی است. با این وجود، در نگاه متدینین، تعاریف فوق محدودیت‌های فراوانی دارد بلکه سلامت معنوی وضعیتی است هدفمند و معنادار از حیات انسانی که حاصل اعتقاد فرد به قدرت لایتناهی الهی و ارتباط پویا با خود، دیگران و جهان پیرامون که منجر به ایجاد امید و رضامندی فرد می‌گردد و او را در پیوست حیات دائمی پس از مرگ دنیوی قرار می‌دهد. در این تعریف، کلماتی مانند ارتباط پویا،

رضایت‌مندی، حیات انسانی، جهان پیرامونی و... همگی با دقت و با رجوع به اصل و معنی کلمه یک‌کار گرفته شده است و در جای خود قابل توضیح است. با استناد به این توضیحات می‌توان شاخص‌های سلامت معنوی را که از این تعریف استخراج می‌شود بیان نمود. لذا در تعریف سلامت معنوی اعتقاد به وجود قدرت لایتناهی الهی و اعتقاد به معاد، اعتقاد به وجود ذات خداوندی که خالق و پروردگار عالم است؛ ارتباط با منشأ لایتناهی الهی؛ شامل ارتباط از طریق وحی و نیز ارتباط مستقیم با خداوند متعال؛ ارتباط و توجه به ابعاد مختلف عالم پیرامون؛ از جمله خود، سایر انسان‌ها و سایر اجزاء طبیعت و احترام به آنها و تلاش برای حفظ و توسعه جهان پیرامون؛ احساس رضایت و امید به زندگی مبتنی بر اعتقاد و ارتباطات مذکور؛ هدفمندی در زندگی؛ شامل هدفمندی کلی جریان زندگی و نیز هدفمندی در زندگی روزمره و تلاش برای دستیابی به آن؛ معناداری زندگی؛ شامل معناداری کلی جریان زندگی و اعتقاد به معاد و نیز معناداری در زندگی روزمره و تلاش برای آن نهفته است.

در این نگاه سلامت معنوی نه جنبه خودگرایانه محض دارد و نه جنبه ابزارگرایانه بلکه در پیوستاری از این دو واقع است و منجر به سعادت و عبودیت فرد می‌گردد.

امید است مقالات این ویژه‌نامه از فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پزشکی آغاز تلاش جدیدی برای شناخت و توسعه سلامت معنوی باشد.

دکتر فریدون عزیزی

مدیر گروه سلامت معنوی

و معاون علمی فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی